

بررسی رابطه نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام نور بجنورد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۲۰

هادی حسن دوست فرخانی^۱

امید رضایی^۲

حسن پاکزاد سرداری^۳

سعید رضایی^۴

چکیده

در این پژوهش سعی بر آن شده است تا از یک سو، ابتدا مسأله نگرش به فساد اداری (در تقابل با سلامت اداری) در قشر حساس دانشجویان به عنوان گردانندگان بالقوه سمت‌های سازمانی در آینده نزدیک مورد بررسی قرار گیرد و از سوی دیگر، ارتباط آن با مفهوم احساس محرومیت نسبی به عنوان یکی از مفاهیم و نظریات مهم در حوزه انحرافات اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که شامل شاخص نگرش به فساد اداری و شاخص سنجش احساس محرومیت نسبی و هم‌چنین سؤالاتی در مورد مشخصات جمعیت‌شناختی پاسخگویان بوده است. جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه پیام نور بجنورد در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ می‌باشد که از طریق فرمول کوکران و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نظام‌مند، ۱۵۰ نفر با روش آماری همبستگی مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از یک سو، بین متغیر نگرش به فساد اداری دانشجویان و احساس محرومیت نسبی آن‌ها رابطه معنادار

۱. مدرس دانشگاه پیام نور بجنورد و کارشناس فرهنگی اداره کل کتابخانه های عمومی خراسان شمالی

hadi_hasandoust@yahoo.com

om.rezaei@yahoo.com

h.pakzad.s@gmail.com

sa.rezaei@ymail.com

۲. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

۳. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی

۴. کارشناس ارشد حقوق عمومی

وجود دارد و از دیگر سو، متغیرهای زمینه‌ای جنسیت و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد با نگرش به فساد اداری در ارتباط است.

واژگان کلیدی: سلامت اداری، فساد اداری، احساس محرومیت نسبی، سلامت اجتماعی، انحرافات اجتماعی

مقدمه

فساد پدیده‌ای پیچیده و چند وجهی است و اشکال، عوامل و کارکردهایی متنوع در زمینه‌های مختلف دارد. پدیده‌ی فساد، از یک عمل کوچک خلاف قانون گرفته تا عملکرد نادرستی که نظام سیاسی و اقتصادی در سطح ملی را شامل می‌شود. فساد، امری پیچیده، پنهان و متنوع است و از این رو مبارزه با آن نیز باید مستمر، طولانی، منسجم و با برنامه‌ریزی دقیق و همه جانبه همراه باشد. در حقیقت، فساد در سطوح اداری و سایر بخش‌های جامعه مانند عفونت است که اگر به اندام و ساختار جامعه سرایت کند، اعضای آن را یک به یک فاسد کرده و از کار می‌اندازد و چه بسا گسترش این عفونت، کل پیکره جامعه را از بین ببرد. فساد اداری از طریق هدایت ناصواب استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت‌های نادرست برای دستیابی به درآمدهای سهل الوصول، زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می‌کند. بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری ضرورتی جدی و انکار ناپذیر است (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۱۳).

امروزه موضوع فساد اداری^۱ تبدیل به یکی از مسائل مهم جوامعی شده است که از ضعف ساختارهای نظارتی و بیمارگونه رنج می‌برند. مفهوم فساد اداری که به‌طور کلی هر نوع انحراف از شیوه‌های صحیح و قانونی انجام وظایف و استفاده نامشروع از موقعیت شغلی را شامل می‌شود، پدیده‌ای است که کم و بیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد با این حال، نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است. امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی مبدل شده و دولت‌ها آگاهند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حد و مرزی هم نمی‌شناسد. این معضل، اقتصاد

داخلی را ویران کرده، جریان توسعه را مختل می‌سازد، سازمان‌های دموکراتیک را مورد تهدید قرار می‌دهد، اصل حاکمیت قانون را مخدوش می‌کند و باعث تسهیل بروز سایر تهدیدات علیه امنیت، از جمله جرائم فراملی و تروریسم می‌گردد. پدیده فساد اداری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت جامعه، مطرح شده است. این پدیده صدمات جبران‌ناپذیری را بر سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کرده و مسیر توسعه و پیشرفت را مسدود و محدود می‌سازد. فساد اداری، پدیده‌ای نوین نیست؛ پیدایش و گسترش آن، قدمتی به اندازه‌ی تاریخ اجتماعات بشری و تاریخ سازمان‌ها و نهادها دارد. فساد، از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع از دستیابی به اهداف، و از موانع اساسی رشد و تکامل آنها به شمار می‌آید (رفیع پور، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

محرومیت نسبی به اختلاف مابین انتظارات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی اشاره داشته و مبتنی بر پنداشت‌ها و تصوراتی است که بواسطه‌ی مقایسه اجتماعی پدید می‌آید. بر اساس این نظریه اعتراض نتیجه‌ی رشد سریعتر انتظارات نسبت به فرصت‌های واقعی است، به‌طوری که گروه‌هایی که خود را حاشی‌های و فاقد نفوذ می‌پندارند (دانشجویان، معترضان به حقوق مدنی و زنان) برای رفع این نارضایتی‌ها به کنش جمعی روی می‌آورند. در این مقاله با اصل قرار دادن موضوع تبیین فساد اداری و ارتباط آن با مفهوم احساس محرومیت نسبی، بنا بر آن است تا این مسأله از دیدگاه نگرشی (مقدم بر کنش و با رویکرد بازدارندگی از جرم قبل از وقوع آن) در چارچوب جامعه آماری دانشجویان به‌عنوان تنها گروه خوراک‌دهنده سازمان‌های اداری مورد نقد و بررسی قرار داده شود.

بیان مسأله

محرومیت نسبی به اختلاف مابین انتظارات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی اشاره داشته و مبتنی بر پنداشت‌ها و تصوراتی است که بواسطه‌ی مقایسه اجتماعی پدید می‌آید. بر اساس این نظریه اعتراض نتیجه‌ی رشد سریعتر انتظارات نسبت به فرصت‌های واقعی است، به‌طوری که گروه‌هایی که خود را حاشی‌های و فاقد نفوذ می‌پندارند

(دانشجویان، معترضان به حقوق مدنی و زنان) برای رفع این نارضایتی‌ها به کنش جمعی روی می‌آورند. تد رابرت گر^۱ عدم تعادل و محرومیت ناشی از آن را به: محرومیت نزولی، محرومیت آرزومندانه یا بلندپروازانه و محرومیت صعودی تقسیم‌بندی می‌کند. محرومیت نزولی زمانی ایجاد می‌شود که انتظارات ارزشی یک گروه نسبتاً ثابت باقی می‌ماند. اما این تصور وجود دارد که توانایی‌هایی ارزشی نسبتاً رو به کاهش گذاشته و در عوض انتظارات افزایش می‌یابد. در محرومیت آرزومندانه یا بلندپروازانه آرزوها و انتظارات ارزشی ممکن است حاکی از تقاضایی بیشتر از ارزش‌ها باشد که پیش از این نیز تا حدودی موجود بوده است. به‌عنوان مثال تقاضا برای کالاهای مادی بیشتر یا میزان بیشتر عدالت و نظم سیاسی می‌تواند به‌عنوان مصداقی از این نوع محرومیت باشد. در الگوی محرومیت صعودی نیز بهبود طولانی مدت و کم و بیش پیوسته ارزشی مردم، انتظاراتی را درباره استمرار این بهبود پدید می‌آورد. فشار اقتصادی در یک اقتصاد رشد یابنده نیز می‌تواند همین تأثیر را به بار آورد حتی طرح یک ایدئولوژی نوساز در جامعه ای که با عدم انعطاف ساختاری روبرو است همین تأثیر را دارد.

امروزه موضوع فساد اداری^۲ تبدیل به یکی از مسائل مهم جوامعی شده است که از ضعف ساختارهای نظارتی و بیمار گونه رنج می‌برند. مفهوم فساد اداری که به طور کلی هر نوع انحراف از شیوه‌های صحیح و قانونی انجام وظایف و استفاده نامشروع از موقعیت شغلی را شامل می‌شود پدیده‌ای است که کم و بیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد با این حال، نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اصلاح نظام اداری همواره به عنوان یک اصل و ضرورت غیر قابل انکار مورد بحث و تأکید بوده که در نهایت، منجر به صدور فرمان تاریخی مقام معظم رهبری برای مبارزه با فساد اداری و اقتصادی گردید. سازمان‌های مختلف اداری نقش مهمی در رفع نیازهای افراد دارند. از آنجا که سازمان‌ها محل تجمع سرمایه‌های اقتصادی، انسانی و مالی زیادی هستند، پتانسیل زیادی برای انجام کارهای فراوان دارند (رفیع پور، ۱۳۸۸: ۱۲۴) هم سو با به‌وجود آمدن سازمان‌های مختلف اداری در جوامع

1. Robert gar
2. Corruption

مختلف برخی آسیب‌های سازمانی در قالب جرائم یقه‌سفید و اصطلاحاً فساد اداری نیز شروع به شکل‌گیری و گسترش نمود. پدیده فساد اداری، بویژه در کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت جامعه، مطرح شده است. این پدیده صدمات جبران‌ناپذیری را بر سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کرده و مسیر توسعه و پیشرفت را مسدود و محدود می‌سازد. فساد اداری، پدیده‌ای نوین نیست؛ پیدایش و گسترش آن، قدمتی به اندازه‌ی تاریخ اجتماعات بشری و تاریخ سازمان‌ها و نهادها دارد. فساد، از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع از دستیابی به اهداف، و از موانع اساسی رشد و تکامل آنها به‌شمار می‌آید.

در تعریف فساد، از اصطلاحات گسترده‌ی گرفته "سوءاستفاده از قدرت عمومی" و "فساد اخلاقی" تا تعریف‌های قانونی خاص فساد به‌عنوان "عمل رشوه خواری که یک کارمند دولتی مرتکب می‌شود" یا "مبادله‌ی منابع محسوس" همه را شامل می‌شود (Johnston, 2005: 9).

حکومت‌ها و دولت‌ها از قرن‌ها پیش با مشکل سوءاستفاده کارگزاران دولتی روبه‌رو بوده‌اند. در متون باستانی نیز اشاره‌های متعددی به این پدیده شده است، که نشان می‌دهد حکومت‌ها همیشه نگران سوءاستفاده شخصی صاحب‌منصبان و کارگزاران دولتی از موقعیت و امتیازات شغلی بوده‌اند. دگرگونی‌های سیاسی، وجود نهادهای دموکراتیک و آزادی مطبوعات در دو قرن اخیر در کشورهای غربی و سایر نقاط جهان، دولت‌ها را مجبور کرده است نسبت به اقدامات و عملکرد خود به مردم جوابگو باشند. در نتیجه این تحولات، تخلفات اداری از حساسیت بسیار بالایی برخوردار شده و دولت‌ها به‌خاطر حفظ مشروعیت سیاسی ناچارند به این مسأله توجه کنند. جرایمی نظیر اختلاس، ارتشاء و جعل، جرایم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازه خود دولت‌ها دارند (شیخوندی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی مبدل شده و دولت‌ها آگاهند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حد و مرزی هم نمی‌شناسد، همان‌طور که نتایج و پیامدهای آن نیز بنا بر نوع سازمان سیاسی و اقتصادی و سطح توسعه یافتگی،

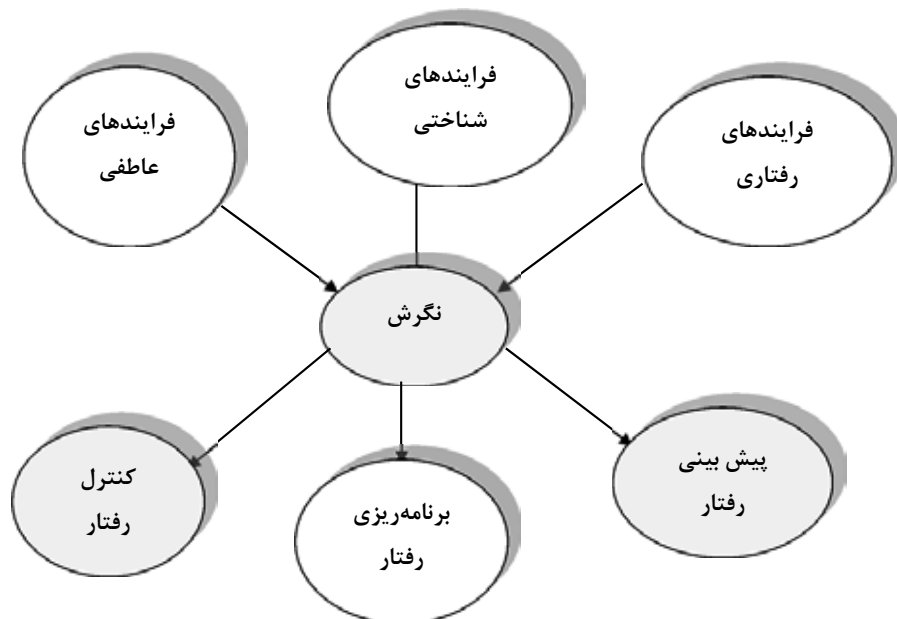
گوناگون است. به هر صورت، فساد موجب انحطاط است، سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد و باعث هدر رفتن منابع ملی می‌شود. هم‌چنین به کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور می‌انجامد و از این طریق، اعتماد مردم را نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی کاهش و بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی را افزایش می‌دهد. فساد اعتقاد و ارزش‌های اخلاقی را متزلزل می‌کند، هزینه انجام کارها را افزایش می‌دهد و موجب جرم‌زایی در سطح جامعه می‌گردد؛ به گونه‌ای که جامعه در برخورد با این جرائم، متحمل خسارت اجتماعی و اقتصادی شدید می‌گردد و رشد رقابت‌پذیری و توسعه اقتصادی انسانی را دشوار می‌گردد. فساد هم‌چنین موجب ناکام ماندن تلاش‌های فقرزدایی، از بین رفتن سرمایه اجتماعی، و ایجاد بی‌انگیزگی و بدبینی در اجتماع گردیده، زمینه تضعیف روحیه افراد درستکار را فراهم می‌آورد. شیب آن‌چه موجبات نگرانی را فراهم می‌کند این است که وقتی فساد به یک فرهنگ تبدیل شد، دیگر کسی به قبح و نادرستی کارش نمی‌اندیشد؛ زیرا از یک سو، می‌بیند که همه این‌طور رفتار می‌کنند و از سوی دیگر، از او نیز انتظار دارند که چنین رفتار کند (رفیع پور، ۱۳۸۸: ۴۹).

بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری به‌دلیل پیامدهای ناگوار و جبران‌ناپذیری که به همراه دارد ضرورتی جدی و انکارناپذیر است. متأسفانه بر اساس گزارشات بین‌المللی در این زمینه (گزارش‌های سالانه‌ی سازمان بین‌المللی شفافیت از شاخص ادراک فساد) وضعیت جامعه ایران چندان مطلوب نبوده و رقم این شاخص برای ایران در سال ۲۰۰۹، ۸/۱٪ گزارش شده است. بر اساس همین آمار، تنها ده کشور جهان در سال ۲۰۰۹ شاخص فساد بدتر از ایران داشته‌اند (ره‌نمود، طاهرپور کلانتری و رشیدی، ۱۳۸۸: ۳۷). این امر ضرورت برنامه‌ریزی برای مقابله با این مسأله را پررنگ‌تر و ضروری‌تر می‌سازد. نکته اساسی دیگری که در این ارتباط قابل تأمل است آگاهی به این امر است که بیشتر بررسی‌های صورت گرفته حول موضوع فساد اداری، در جامعه آماری سازمان‌ها و بر روی کارمندان سازمان‌ها بوده است، لذا به‌دلیل حساسیت بالای مسأله برای کارمندان، این قشر از جامعه هدف، در ارائه نیات اصلی خود و دلایل آن نیز محتاطانه عمل

می‌کنند و از ارائه پاسخ‌هایی که مسؤولیت آن‌ها را به خطر بیندازد خودداری کرده و اطلاعات نه چندان صحیح، تحویل محقق می‌دهند. از سوی دیگر نیز بیشتر بررسی‌های صورت گرفته حول موضوع تاکنون به نقد و بررسی "کنش"^۱ فسادآمیز در حوزه اداری پرداخته‌اند و تحقیق نظام‌مند و دقیقی تاکنون با محوریت "نگرش"^۲ به رفتار فسادآمیز در بخش‌های سازمانی و اداری به عنوان قدم اول برای انجام رفتار منحرفانه صورت نپذیرفته است. مفهوم نگرش در تعریف نظری، به طور ضمنی دلالت بر نوعی آمادگی روانی عصبی برای فعالیت ذهنی و جسمی دارد (آپورت و جونز، ۱۳۷۱: ۱۱۸).

نگرش در روان‌شناسی اجتماعی تشکیل شده از سه شاخص شناختی، احساسی و شاخص تمایل به عمل است. مؤلفه "عاطفی" اشاره به هیجانات و عاطفه فرد نسبت به موضوعات عینی و ذهنی خصوصاً ارزیابی‌های مثبت و منفی وی از آن‌ها دارد. مؤلفه "شناختی" شامل افکاری است که فرد در مورد آن موضوع نگرش خاص دارد شامل دانش و اطلاعات و حقایق. و نهایتاً مؤلفه "تمایل به رفتار" چگونگی تمایل به عمل فرد در راستای موضوعات عینی و ذهنی را شامل می‌گردد (Taylor, Peplau & Sears, 2003: 42). برای مثال، طرفداران حفظ محیط زیست معتقدند که آلودگی هوا باعث از بین رفتن لایه اوزون می‌شود که خطر ابتلا به سرطان را افزایش می‌دهد (شناختی)، آن‌ها ممکن است به خاطر انقراض گیاه ناراحت و غمگین شوند (عاطفی)، و بر این اساس آن‌ها از وسایل نقلیه عمومی به جای خودروی شخصی استفاده و در فرایند بازیافت شرکت خواهند نمود (رفتاری) (بهنر و وانک، ۱۳۸۴: ۹۷). بنابراین با توجه به این‌که نگرش تأثیر مستقیم بر رفتار داشته و باعث شکل‌گیری نوع خاصی از رفتار می‌گردد، و از آنجایی که نگرش به رفتار فسادآمیز به‌عنوان قدم اول برای انجام چنین رفتاری می‌باشد، به‌طور خلاصه شیوه چگونگی شکل‌گیری مفهوم نگرش و تأثیر آن بر رفتار ارائه می‌گردد.

-
1. Action
 2. Attitude
 3. Bohner, G,&Wanke, M



نمودار ۱) شیوه تحلیل چگونگی شکل‌گیری نگرش و تأثیر آن بر رفتار

در این مقاله با اصل قرار دادن موضوع تبیین فساد اداری و ارتباط آن با مفهوم احساس محرومیت نسبی بنا بر آن است تا این مسأله از دیدگاه نگرشی (مقدم بر کنش و با رویکرد بازدارندگی از جرم قبل از وقوع آن) در چارچوب جامعه آماری دانشجویان به‌عنوان تنها گروه خوراک‌دهنده سازمان‌های اداری مورد نقد و بررسی قرار داده شود.

مبانی نظری

فضای مفهومی نظریه محرومیت نسبی

مفهوم محرومیت نسبی نخستین بار توسط رانسمن^۱ ساخته و پرداخته شد و بعد از وی ییتزاک^۲ (۱۹۷۹) از این تعریف استفاده کرده و فرمولی ریاضی برای درآمد طبق نظریه محرومیت نسبی ارائه داد. به‌طور کلی، محرومیت نسبی به اختلاف مابین انتظارات

1. Ransman

2. yitzaki

ارزشی و قابلیت‌های ارزشی اشاره داشته و مبتنی بر پنداشت‌ها و تصوراتی است که به واسطه‌ی مقایسه اجتماعی پدید می‌آید (Chandra & Foster, 2005: 305). بر اساس این نظریه اعتراض، نتیجه‌ی رشد سریع‌تر انتظارات نسبت به فرصت‌های واقعی است، به طوری که گروه‌هایی که خود را حاشیه‌ها و فاقد نفوذ (دانشجویان، معترضان به حقوق مدنی و زنان) می‌پندارند برای رفع این نارضایتی‌ها به کنش جمعی روی می‌آورند. تد رابرت گر^۱ عدم تعادل و محرومیت ناشی از آن را به شرح زیر فهرست می‌کند:

الف) محرومیت نزولی

محرومیت نزولی زمانی ایجاد می‌شود که انتظارات ارزشی یک گروه نسبتاً ثابت باقی می‌ماند. اما این تصور وجود دارد که توانایی‌هایی ارزشی نسبتاً رو به کاهش گذاشته و در عوض انتظارات افزایش می‌یابد. در این صورت وضعیت ارزشی کل جامعه ممکن است به دلیل کاهش تولید کالاهای مادی، کاهش توان نخبگان سیاسی در تأمین نظم و امنیت یا حل بحران‌ها سقوط کند. هم‌چنین افول توانایی‌های ارزشی ممکن است به دلیل آن باشد که اعضای یک یا چند بخش از جامعه در تعارض با دیگر گروه‌ها بر سر ارزش‌های کمیاب در وضعیتی نامطلوب قرار گیرند.

ب) محرومیت آرزومندانه یا بلندپروازانه

در این حالت آرزوها و انتظارات ارزشی ممکن است حاکی از تقاضایی بیشتر از ارزش‌ها باشد که پیش از این نیز تا حدودی موجود بوده است. به عنوان مثال، تقاضا برای کالاهای مادی بیشتر یا میزان بیشتر عدالت و نظم سیاسی می‌تواند به عنوان مصداقی از این نوع محرومیت باشد.

1. Robert gar

پ) محرومیت سعودی

الگوی محرومیت سعودی برگرفته از الگوی دیویس^۱ است که در آن بهبود طولانی مدت و کم و بیش پیوسته ارزشی مردم، انتظاراتی را درباره استمرار این بهبود پدید می‌آورد. فشار اقتصادی در یک اقتصاد رشد یابنده نیز می‌تواند همین تأثیر را به بار آورد، حتی طرح یک ایدئولوژی نوساز در جامعه‌ای که با عدم انعطاف ساختاری روبرو است همین تأثیر را دارد (مرادی و سعیدی پور، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۴).

فساد اداری

غالباً در نتیجه فساد چیزی نقض می‌شود، این چیز ممکن است یک اصل، رویه یا شیوه اخلاقی یا قانونی، یا مقررات اداری باشد. اگر چه تعاریف متعددی از فساد ارائه شده است، اما وجه مشترک تمام این تعاریف آن است که در محیط فاسد، حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان نادیده گرفته می‌شود، یا حق مسلم فرد یا گروهی به آسانی پایمال، یا به ناحق به دیگری یا دیگران واگذار می‌گردد (فرج پور، ۱۳۸۳: ۹). از دیدگاه هانتینگتون^۲ (۱۳۷۰: ۹۰-۹۱) فساد اداری به رفتار آن دسته از کارکنان بخش عمومی اطلاق می‌شود که برای منافع خود ضوابط پذیرفته شده را زیر پا می‌گذارند. به عبارت دیگر، فساد در حوزه اداری و سازمانی را در مجموع هر نوع استفاده نادرست از منابع عمومی برای کسب منافع شخصی دانسته‌اند (Mbaku, 2008: 427). فساد اداری علی‌رغم این که در اکثر جوامع وجود دارد، از سویی نیز می‌توان آن را محصول و نتیجه شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی نیز دانست (Yadav, 2005: 58).

اشکال فساد اداری

فساد اداری، مظاهر و شکل‌های زیادی دارد که برخی از آنها عمومی و جهانی‌اند و برخی نیز برخاسته از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع‌اند و از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر تفاوت می‌کند. پژوهشی که در این زمینه انجام شده، برخی از اشکال و مظاهر اصلی

1. Davis

2. P. Huntington

فساد را بر اساس تعدادی از ویژگی‌ها مشخص کرده است (Johnston, 2005: 15).

رشوه

رشوه، وجهی پول یا اشیای دیگر است که طی یک رابطه‌ی آلوده و فاسد گرفته یا داده می‌شود. نفس گرفتن یا دادن رشوه، تخلف است و باید آن را جوهر فساد دانست. رشوه مبلغ ثابت، درصدی خاص از یک قرارداد، یا هر نوع مساعدت پولی دیگر است که معمولاً به مأمور حکومتی پرداخت می‌شود. "ارتشا" مترادف زیادی برای واژه‌ی شیرینی، انعام، پول چایی و رایگانی است که همگی بیانگر نوعی فساد مرتبط با پول و مزایایی هستند که به کارکنان شرکت‌های خصوصی، مأموران حکومتی یا سیاستمداران پرداخت می‌شود (همانجا).

اختلاس

اختلاس، دزدیدن منابع توسط افرادی است که بر این منابع دست دارند و زمانی اتفاق می‌افتد که کارمندان خائن، به سرقت این منابع از کارفرمایان خویش اقدام می‌کنند. این پدیده زمانی بسیار اهمیت پیدا می‌کند که کارمندان بخش عمومی، از نهادهای عمومی‌ای که در آن استخدام شده‌اند و از منابعی که باید در راستای منافع عمومی از آنها استفاده کنند، اقدام به دزدی نمایند. اما اختلاس، دزدی قلمداد می‌شود؛ زیرا در آن، طرف شهروند وجود ندارد. وقتی اختلاس صورت می‌گیرد، منافع عمومی به خطر می‌افتد؛ اما هیچ دارایی شخصی سرقت نمی‌شود و شهروندان، از حقوق قانونی برای محاکمه برخوردار نیستند (همانجا).

کلاهبرداری

کلاهبرداری جرمی اقتصادی است که دربردارنده‌ی برخی از انواع حيله‌گری، خدعه و فریب است. کلاهبرداری، دستکاری یا تحریف اطلاعات و واقعیت‌ها توسط مأموران بخش عمومی است که واسطه‌ی بین سیاستمداران و شهروندان اند و به دنبال کسب

منافع شخصی می‌باشند. این پدیده زمانی اتفاق می‌افتد که یک مأمور بخش عمومی (عامل) که مسؤول انجام دستورها و وظایف محوله از جانب مافوقش است، جریان اطلاعات را به سمت منفعت شخصی خودش دستکاری می‌کند (همان: ۱۵-۱۶).

اخاذی یا باجگیری

باجگیری عبارت است از به‌دست آوردن پول و اشیای دیگر با استفاده از اجبار، خشونت یا تهدید به استفاده از قدرت. هر جا که پول به‌صورت خشونت‌آمیز به‌دست آید، باجگیری و اخاذی صورت گرفته است و برای کسی که قدرت انجام آن را دارد، معامله‌ی فاسدی به‌شمار می‌آید. کارمندان ادارات مختلف ممکن است از شهروندانی که به‌عنوان ارباب رجوع، مشتری، مریض یا دانش‌آموز مدرسه به دولت مراجعه می‌کنند، زیرمیزی‌ها و هدایایی را اخذ کنند. این اقدام‌ها ممکن است به اشکال غیررسمی مالیات، تعبیر و تفسیر شوند (همان: ۱۵-۱۷).

پارتی‌بازی

پارتی‌بازی به‌عنوان آخرین شکل فساد، نوعی از سوءاستفاده از قدرت است که در فرایند خصوصی‌سازی و توزیع جانب‌دارانه‌ی منابع دولتی، بدون توجه به این‌که این منابع در محل اول چگونه جمع‌آوری شده‌اند، به‌کار می‌رود. پارتی‌بازی، تمایل طبیعی انسان به جانب‌داری از دوستان، خویشاوندان و دیگر افراد نزدیک و مورد اعتماد است. این پدیده، تا جایی که توزیع فسادآمیز منابع را به نمایش می‌گذارد، رابطه‌ای نزدیک با فساد اداری دارد (همانجا).

خویشاوندسالاری

خویشاوندسالاری شکل ویژه‌ای از پارتی‌بازی است که طی آن، مدیری که اداره اقوام و اعضای فامیل خود (همسر، برادر و خواهر، فرزند، عمو و...) را بر دیگران ترجیح می‌دهد. بسیاری از رؤسای خودمختار می‌کوشند از طریق قرار دادن اعضای خانواده

ی خود در سمت‌های کلیدی سیاسی، اقتصادی و امنیتی، اقتدار خود را تثبیت کنند (همان: ۱۵-۱۸).

علل فساد اداری

دلایل فساد در بین کشورهای مختلف متفاوت است و می‌تواند نشأت گرفته از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی کشورها باشد (Lambsdorff, 2006: 3-4). عده‌ای علت اصلی فساد اداری را در نفوذ تاریخی دولت در اقتصاد و امور سیاسی دانسته‌اند. شرایطی که فرصت رانت‌خواری را به‌وجود می‌آورد و توانایی شهروندان را در پاسخگو نگه‌داشتن سیاستمداران و مقامات دولتی نسبت به اعمالشان کاهش می‌دهد که نتیجه چنین شرایطی افزایش فساد اداری است (Robbinson, 2004: 6). عده‌ای دیگر نیز فساد اداری را به سطح رشد اقتصادی و هم‌چنین سیستم قانونی و حکومتی کشورها ربط داده‌اند. بانک جهانی نیز در بررسی‌های خود در این زمینه مطرح می‌کند که فساد اداری نتیجه سیاست‌های ضعیف اقتصادی، سطح پایین آموزش، توسعه نیافتگی جامعه و پاسخ‌گویی ضعیف نهادهای دولتی است (World Bank, 2004: 5). در مجموع ریشه اصلی فساد اداری را می‌توان هم در عوامل اقتصادی و هم در عوامل غیر اقتصادی جستجو کرد (Shabbir & Anwar, 2007: 39). نمونه عوامل اقتصادی فساد عبارت است از جهانی شدن، سطح آموزش و پرورش و توسعه و عوامل غیر اقتصادی فساد نیز می‌تواند عوامل اجتماعی، سیاسی و مذهبی باشد از جمله:

(۱) اندازه دولت، چنان‌چه هر چقدر اندازه دولت بزرگ‌تر باشد فساد اداری نیز بیشتر می‌شود (Elliott, 1997: 179).

(۲) چگونگی فعالیت‌های دولت، مخصوصاً در چگونگی توزیع ثروت (Gerring & Tracker, 2004: 301).

(۳) سطح دستمزد کارمندان دولت (Treisman, 2000: 431).

(۴) فرهنگ و سابقه تاریخی فساد اداری در جامعه (Sandholtz & Taagepera, 2005: 111).

۵) عدم وجود قانون و مقررات شفاف در زمینه برخورد با مسأله

(Moreno & Jennings, 2005: 499).

۶) سطح پایین توسعه‌یافتگی و رشد اقتصادی

(Moreno & Jennings, 2005: 499).

۷) آزادی مطبوعات، دموکراسی، میزان پابندی به اخلاقیات، روابط متقابل، عدم

کنترل و نظارت، هنجارها و ارزش‌های مدنی سیاستمداران و مسؤولان، اندازه دولت باشد

(Cho & Kirwin, 2007: 121).

اهداف تحقیق

هدف کلی:

بررسی ارتباط بین نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی

اهداف جزئی:

بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه پیام نور بجنورد به فساد اداری

بررسی ارتباط بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و سایر متغیرهای زمینه‌ای.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی

رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی

۱. بین نگرش به فساد اداری و پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری

وجود دارد.

۲. بین نگرش به فساد اداری و وضعیت تأهل رابطه معناداری وجود دارد.

۳. بین نگرش به فساد اداری و سن رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین نگرش به فساد اداری و جنسیت رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته

نگرش به فساد اداری به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق قلمداد می‌شود که بر اساس دیدگاه نظری، نگرش نظامی بادوام است که شامل یک عنصر شناختی، احساسی و یک تمایل به عمل است. مؤلفه عاطفی شامل هیجان‌ات و عاطفه فرد نسبت به موضوع خصوصاً ارزیابی‌های مثبت و منفی است. مؤلفه رفتاری چگونگی تمایل به عمل فرد در راستای موضوع را شامل می‌گردد. مؤلف شناختی نیز شامل افکاری است که فرد در مورد آن موضوع نگرش خاص دارد، شامل دانش و اطلاعات و حقایق و فساد اداری نیز هر نوع استفاده نادرست از منابع عمومی و دولتی است که جهت کسب منافع شخصی و فردی دانسته‌اند (Taylor, Pephau & Sears, 2003: 88). در بخش عملیاتی نگرش به فساد اداری ابتدا فساد اداری از ترکیب شش بعد اختلاس، تقلب اداری، رشوه، پارتی بازی، سوءاستفاده از موقعیت شغلی و تبارگرایی تشکیل گردید، در گام بعدی با توجه به دیدگاه نظری در تعریف نگرش، سه بعد اصلی تشکیل دهنده مفهوم نگرش (شناختی، عاطفی، تمایل به رفتار) با توجه به شاخص‌های تشکیل دهنده فساد اداری آزمون گردید.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش کمی و با استفاده از روش پیمایشی به انجام رسیده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، دانشجویان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ دانشگاه پیام نور بجنورد می‌باشد که تعداد آن‌ها جمعاً برابر ۶۵۰۰ نفر می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نظام‌مند با در نظر گرفتن سهمیه گروه‌های مختلف تحصیلی در دانشگاه و با استفاده از فرمول کوکران در سطح معناداری ۹۵ درصد و خطای نمونه‌گیری ۵ درصد یک نمونه ۱۵۰ نفری انتخاب

گردید. مزیت بزرگ این نمونه‌گیری بر نمونه‌گیری‌های دیگر در این است که نسبت طبقات در بین افراد نمونه با نسبت طبقات در جامعه آماری تطابق دارد و شرایط یکسان بودن شانس انتخاب برای کل افراد جامعه، تحقق پیدا می‌کند. از این رو، در این پژوهش از این شیوه نمونه‌گیری استفاده شده است. در برآورد حجم نمونه مراحل زیر طی شده است:

۱- تعیین دقت احتمالی ۲- پیدا کردن فرمولی برای برآورد n ۳- پیش برآورد واریانس متغیر وابسته تحقیق ۴- برآورد حجم نمونه ۵- ارزیابی n برآورد شده در پرتو امکانات (ساعی، ۱۳۸۷: ۴۲).

با توجه به آنچه ذکر گردید، در این پژوهش تعیین حجم نمونه به شرح زیر صورت گرفته است:

حجم نمونه = n

حجم جامعه آماری = N

احتمال صحت گفتار = t

خطای استاندارد نمونه‌گیری = d

احتمال وجود نگرش نسبت به فساد اداری در جامعه آماری = p

احتمال عدم وجود نگرش نسبت به فساد اداری در جامعه آماری = q

در این تحقیق

$$N=6500 \quad z=1.95 \quad t=0.06 \quad d=0.05 \quad p=0.5 \quad q=0.5$$

$$\frac{\frac{(1.95)^2 \cdot (0.5)(0.5)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{30739} \left(\frac{(1.96)^2 \cdot (0.5)(0.5)}{(0.06)^2} - 1 \right)} = 150$$

اعتبار و پایایی

برای سنجش روایی پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده شد. به این صورت که ابتدا پرسشنامه مربوطه تنظیم و سپس در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران قرار گرفت و پس از استخراج نظرات آنها، اصلاح نهایی گردید.

هم‌چنین برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و مشخص شد که در همه متغیرها اعم از مستقل و وابسته پایایی بالایی مشاهده می‌شود (آلفای کرونباخ بیشتر از ۰.۶۰). نمونه پایایی متغیرها در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱) آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق

نوع متغیر	مفهوم	مؤلفه‌ها	آلفای کرونباخ کرونباخ
وابسته	نگرش به فساد اداری	شناختی	٪۷۶
		احساسی	٪۸۸
		رفتاری	٪۹۱
مستقل	احساس محرومیت	ادراک نابرابری	٪۹۳
		ارزیابی نابرابری	٪۸۹

یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج حاصله از مجموع ۱۵۰ نفر نمونه مورد بررسی، ۶۳ نفر مرد و ۸۷ نفر زن، که از این میان، ۱۱۵ نفر مجرد و ۳۵ نفر نیز متأهل بودند. از میان مجموع ۱۵۰ نفر پاسخگویان این تحقیق، بیشترین فراوانی سنی مربوط به ۲۰ سال است که ۳۲/۲ یعنی معادل ۵۹ نفر از مجموع پاسخگویان را به خود اختصاص داده است و هم‌چنین کمترین بازه سنی شناسایی شده در این پژوهش نیز به ۳۹ سال مربوط می‌شد که هر

کدام تنها یک نفر از جمع کل را تشکیل داده بودند. از مجموع دانشجویانی که در نمونه مورد بررسی حضور داشتند، ۳۰ نفر مربوط به علوم پایه، ۶۱ نفر علوم انسانی، ۵۹ نفر مربوط به رشته‌های فنی و مهندسی بوده‌اند. اطلاعات در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲) توصیف متغیرهای زمینه‌ای

درصد	تعداد	متغیرهای زمینه‌ای	
۴۲	۶۳	مرد	جنسیت
۵۸	۸۷	زن	
۷۶/۶	۱۱۵	مجرد	وضعیت تأهل
۲۳/۳	۳۵	متاهل	
۴۰/۶	۶۱	علوم انسانی	رشته تحصیلی
۳۹/۳	۵۹	فنی مهندسی	
۲۰	۳۰	علوم پایه	

در مورد توصیف متغیر وابسته نگرش به فساد اداری، بعد از ترکیب سه بعد شناختی، عاطفی و تمایل به رفتار مفهوم نگرش نسبت به شش شاخصه فساد اداری (اختلاس، تقلب اداری، رشوه، پارتی‌بازی، سوءاستفاده از موقعیت شغلی و تبارگرایی) شکل گرفت. در حالت جزئی وضعیت پاسخگویان نسبت به سه بعد مفهوم نگرش نسبت به شش شاخص فساد اداری بدین شرح است:

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد پیرامون بعد شناختی نگرش به فساد اداری، ۴۰/۲۴٪ وضعیت آگاهی و اطلاعات دقیق و علمی آن‌ها از شاخص‌های تشکیل دهنده فساد اداری در حالت پایین گزارش شده است، ۳۶/۱۱٪ اطلاعات بالا و قابل قبولی از شاخص‌های فساد اداری داشته‌اند و ۲۳/۶۵٪ نیز سطح اطلاعاتی متوسط را به خود اختصاص داده‌اند.

در مورد بعد عاطفی احساسی نگرش به فساد اداری، ۵۳/۰۳٪ احساس منفی نسبت به انجام شاخص‌های فساد اداری از سوی کارمندان دولت دارند، ۳۴/۶۵۳٪ احساس

خنثی و بی‌طرفانه‌ای اتخاذ کرده‌اند و ۱۲/۳۹٪ نیز احساس مثبتی از انجام شاخص‌های فساد اداری از سوی کارمندان دولت گزارش داده‌اند. و نهایتاً نیز پیرامون بعد تمایل به رفتار، ۵۱/۸۷٪ کاملاً مطمئن هستند که در صورت به‌وجود آمدن شرایط شغلی در آینده، مصادیق فساد اداری را به هیچ وجه انجام نخواهند داد، ۳۱/۸۷٪ مردند که آیا در آینده دچار فساد اداری خواهند شد یا خیر، و نهایتاً نیز ۱۶/۴۶٪ معتقدند در صورت شکل‌گیری بستر لازم، شاخص‌های فساد اداری را انجام داده و مرتکب فساد اداری می‌شوند.

جدول ۳) توصیف ابعاد نگرش به فساد اداری

اطلاعات اندک	اطلاعات متوسط	اطلاعات بالا و دقیق	بعد شناختی
۴۰/۲۴٪	۲۳/۶۵٪	۳۶/۱۱٪	
احساس منفی	احساس خنثی	احساس مثبت	بعد احساسی
۵۳/۰۳٪	۳۴/۶۵۳٪	۱۲/۳۹٪	
عدم تمایل کامل	مردد	دارای تمایل کامل	بعد تمایل به رفتار
۵۱/۸۷٪	۳۱/۸۷٪	۱۶/۴۶٪	

در ادامه بعد از جمع‌آوری داده‌ها و کدگذاری مجدد، شاخص نگرش به فساد اداری به سه بعد، نگرش مثبت (گرایش به فساد اداری)، خنثی (مردد نسبت به انجام عمل) و منفی (تنفر و انزجار از فساد اداری) تقسیم گردید و نهایتاً نیز نتایج توصیفی در حالت کلی، حاکی از این موضوع بود که بیشترین فراوانی داده‌ها در بخش نگرش خنثی متمرکز است یعنی ۵۶/۹۱٪، که این امر نشان دهنده این است که پاسخگو حالتی بینابین و خنثی از بار مثبت یا منفی اتخاذ کرده و به بیانی بهتر، موضع اتخاذی در این حالت از سوی پاسخگو موضعی قطعی و مطمئن نیست و هر آینه تحت شرایط خاصی، این امکان دارد که میل به مثبت یا منفی داشته باشد. در قسمت دوم نیز نگرش منفی به فساد اداری با ۳۸٪ قرار دارد. به عبارتی دیگر، از کل نمونه تنها ۳۳٪ موضعی کاملاً منفی و خصمانه نسبت به این پدیده اتخاذ کرده‌اند و نهایتاً نیز ۱۶/۲٪ نیز دارای

نگرش مثبت به فساد اداری‌اند و به بیانی بهتر، موضع اتخاذ شده از سوی آن‌ها گویای این واقعیت است که آن‌ها نه تنها نسبت به این پدیده جهت‌گیری منفی ندارند، بلکه بالعکس نگرش آن‌ها به فساد اداری مثبت و مطلوب پنداشته شده است. در مورد متغیر مستقل تحقیق نیز نتایج به صورت مجزا و به صورت زیر قابل بیان است.

در مجموع به لحاظ توصیف شاخص‌های متغیر مستقل بعد از تجزیه و تحلیل و ترکیب سؤالات، نتایج توصیفی به شرح زیر قابل گزارش بود که از میان ۱۵۰ نفر پاسخگو ۲۳/۷۱٪ در حد بالا، ۵۶/۶۵٪ در حد متوسط و نهایتاً ۱۹/۶۵٪ شاخص احساس محرومیت نسبی آنان در حد پایین ارزیابی شد.

آزمون فرضیات

فرضیه اصلی:

به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴) رابطه نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	نوع آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
نگرش به فساد اداری	احساس محرومیت نسبی	پیرسون	۰/۴۸	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

همان‌طور که جدول ۴ نیز گویای آن است بر اساس نتایج به‌دست آمده بین متغیر نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی رابطه‌ای مستقیم برقرار است، با این توضیح که با افزایش متغیر احساس محرومیت نسبی، پاسخگوی نگرش به فساد اداری میل به مثبت شدن (گرایش به فساد اداری) دارد و با کاهش آن، شاخص نگرش به فساد اداری میل به منفی شدن (انزجار و تنفر از فساد اداری) می‌گذارد. از سوی دیگر نیز سطح معناداری به‌دست آمده (کمتر از ۵٪) گویای آن است که از لحاظ آماری نیز رابطه به‌دست آمده معنادار است.

فرضیه های فرعی:

فرضیه اول:

بین نگرش به فساد اداری و پایگاه اقتصادی و اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵) رابطه پایگاه اجتماعی اقتصادی و نگرش به فساد اداری

نتیجه آزمون	سطح معناداری	ضریب همبستگی	نوع آزمون	متغیر مستقل	متغیر وابسته
تأیید فرضیه	۰/۰۰۲	-۰/۳۹۷	پیرسون	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	نگرش به فساد اداری

نتیجه بررسی رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به فساد اداری در جدول ۵ نشان داد که رابطه‌ای منفی و معنادار بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به فساد اداری برقرار است. به طوری که هر چه قدر فرد دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری باشد نگرش وی نسبت به فساد اداری منفی و بالعکس خواهد بود. بدین ترتیب فرضیه حاضر تأیید می‌شود.

فرضیه دوم:

بین نگرش به فساد اداری و وضعیت تأهل رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶) رابطه تأهل و نگرش به فساد اداری

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار	نوع آزمون	میانگین	متغیر مستقل	متغیر وابسته
رد فرضیه	۰/۲۳۴	-۰/۴۰۳	آزمون T	مجرد = ۴۷/۶ متأهل = ۴۶/۹	تأهل	نگرش به فساد اداری

نتیجه مقایسه میانگین‌های پاسخگویان مجرد و متأهل در جدول ۶ نشان داد که

بین این دو گروه تفاوت معناداری در نگرش به فساد اداری وجود ندارد و لذا این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه سوم:

بین نگرش به فساد اداری و سن رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۷) رابطه سن و نگرش به فساد اداری

متغیر وابسته	متغیر مستقل	نوع آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
نگرش به فساد اداری	سن	پیرسون	۰/۰۲۸	۰/۳۳۸	رد فرضیه

نتیجه بررسی رابطه سن و نگرش به فساد اداری در جدول ۷ نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد؛ لذا این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه چهارم:

بین نگرش به فساد اداری و جنسیت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۸) رابطه جنسیت و نگرش به فساد اداری

متغیر وابسته	متغیر مستقل	میانگین	نوع آزمون	مقدار	سطح معناداری	نتیجه آزمون
نگرش به فساد اداری	جنسیت	مرد = ۴۹/۶ زن = ۴۲/۴	آزمون T	-۶/۲۳	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

نتیجه مقایسه میانگین دو گروه زنان و مردان در نگرش به فساد اداری در جدول ۸ نشان داد که بین این دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این صورت که میانگین نگرش به فساد اداری مردان بیشتر از زنان است، یعنی مردان نگرش مثبت‌تری نسبت به فساد اداری دارند. بدین ترتیب این فرضیه تأیید شد.

نتیجه و پیشنهادات

تحقیق حاضر با مطالعه بر روی ۱۵۰ دانشجوی دانشگاه پیام نور بجنورد انجام پذیرفت. نتایج نشان داد که بین نگرش به فساد اداری و سن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به این معنی که با افزایش سن، نگرش به فساد اداری نیز مثبت تر می شود (گرایش بیشتر به فساد اداری). هم چنین نتایج نشان داد بین نگرش به فساد اداری و پایگاه اقتصادی - اجتماعی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی این که هرچه پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بالاتر باشد، گرایش بیشتری به فساد اداری خواهند داشت. هم چنین مهمترین یافته و نتیجه تحقیق حاضر، وجود رابطه مثبت و معنادار بین نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی است؛ یعنی با افزایش احساس محرومیت نسبی افراد، گرایش آنها به فساد اداری افزایش پیدا خواهد کرد. این یافته موجب تأیید فرضیه اصلی تحقیق گردید. با اتکا به این یافته تحقیق می توان گفت، احساس محرومیت نسبی یکی از علل اصلی انحرافات اجتماعی (در اینجا فساد اداری) است. افراد مادامی که خود را از افراد دیگر محروم تر بدانند و سطح برخورداری خود را ناچیز برشمرند، درصدد رفع این محرومیت بر خواهند آمد که این امر، گاهی اوقات در قالب انجام کارهای غیرقانونی و انحرافی خودنمایی می کند.

محرومیت به طور ضمنی ناظر بر شرایط نابرابر میان اجزای یک جامعه است؛ شرایطی که در آن برخی از شهروندان از امکانات، امتیازات و بهره مندی های بیشتری نسبت به برخی دیگر بهره مندند و اعضای گروه در نسبت سنجی میان وضعیت خود و وضعیت گروه های دیگر به احساسی دست می یابند که محرومیت نامیده می شود؛ احساسی که می تواند منشأ بسیاری از ناهنجاری ها و انحرافات، مثل گرایش به فساد اداری باشد که در مطالعه حاضر نیز تأیید گردید. نکته ای که در این میان حائز اهمیت است این که در صورتی که افراد احساس محرومیت نسبی داشته باشند و در سطح جامعه، دیگران را نسبت به خود برخوردارتر ببینند، واکنش های گوناگونی ممکن است نشان دهند؛ مثلاً احساس سرخوردگی و بی تفاوتی پیش گیرند و یا این که درصدد جبران این محرومیت و احقاق حق (از دیدگاه خود) برآیند، که در این حال، احتمال بروز انحرافات بالا

می‌رود. همان‌طور که در این مطالعه نیز نشان داده شد، با این وجود افراد نگرش مثبتی نسبت به فساد اداری می‌یابند و از این طریق درصدد رفع محرومیت بر خواهند آمد. در نهایت با عنایت به نتایج تحقیق، در پایان چند پیشنهاد کاربردی را برای پیشگیری از گرایش به فساد اداری بر خواهیم شمرد:

۱. براساس نتیجه فرضیه اول به نظر می‌رسد رعایت عدالت توزیعی در سطح جامعه و کاهش شکاف طبقاتی نیازمند توجه بیشتر است و مادامی که در جامعه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی وجود داشته باشند، احیای محرومیت وجود خواهد داشت که خود این عامل پیامدهای ناگواری را در پی دارد.
۲. براساس نتیجه فرضیه سوم به نظر می‌رسد آموزش دانش‌آموزان و دانشجویان (بالاخص پسران) در زمینه قانون‌مداری و آشنایی بیشتر آنها با آموزه‌های اخلاقی در مدارس و دانشگاه‌ها شایان توجه است.
۳. همچنین براساس فرضیه پنجم تحقیق به نظر می‌رسد برای جلوگیری از انحرافات به‌خصوص فساد اداری، نیازمند برنامه‌ریزی و کار بر روی آموزش خانواده‌ها بالاخص خانواده‌های متمول است تا از این طریق، فرزندان که در این خانواده‌ها رشد می‌یابند در آینده انسان‌هایی قانون‌مدار باشند؛ در این زمینه نقش رسانه‌ها می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

منابع

۱. آلپورت، گوردن دبلیو؛ جونز، ادوارد ای. (۱۳۷۱). *روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تاکنون*. ترجمه محمد نقی منشی طوسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲. بهنر، ج؛ وانک، م. (۱۳۸۴). *نگرش‌ها و تغییر آنها*. ترجمه علی مهداد. تهران: جنگل.
۳. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: سروش.
۴. رهنمود، فرج‌الله؛ طاهرپور کلانتری، حبیب‌الله؛ رشیدی، اعظم (۱۳۸۸). "شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی". *فصلنامه مدیریت اجرایی*، سال دهم، ش ۱ (تابستان): ۳۵-۵۱.

۵. شیخاوندی، داور (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جمعیتی ایران*. تهران: قطره.
۶. عباس زادگان، محمد (۱۳۸۳). *فساد اداری*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۷. فرج پور، مجید (۱۳۸۳). *موانع توسعه: بررسی فقر، تبعیض و فساد*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۸. مرادی، گلمراد؛ سعیدی پور، بهمن (۱۳۸۹). "بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه بر اساس نظریه تعامل‌گرایی بلومر". *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال دهم، ش ۱۶ (پاییز و زمستان): ۱۶۳-۱۹۱.
۹. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علم.
10. Chandra, Siddharth; Foster AngelaWilliams. (2005). "The Revolution of Rising Expectations". *Social Science History*, vol 29. No. 2: 229-332.
11. Cho, W.; Kirwin, M. F. (2007). "Vicious circle of corruption and mistrust in institutions in sub-Sahara Africa: Micro level analysis". *Afrobarometer*, no. Vol. 71, No. 10: 1-17.
12. Elliott, Kimberly Ann. (1997). "Corruption as a Global Policy Problem: Overview and Recommendations". In: *Corruption and the Global Economy*. Annkimberly elliott. Washington: Institute for International Economics: 175-233.
13. Gerring, j. and s. tracker, (2004). *Political institution and governance: pluralism versus centralism*, *British journal of political science*, vol 34. No. 2: 295-330.
14. Green, Stuart P. (2004). "Moral Ambiguity in White Collar

- Criminal Law». Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public Policy, Vol. 18. No. 18: 501-515.
15. Johnston, M. (2005). Syndromes of corruption: Wealth, power, and democracy. Cambridge: Cambridge University Press.
 16. Lambsdorff, J. G. (2006). "Causes and consequences of corruption". In: International handbook on economics of corruption. S. R. Ackerman, New York: Edward Edgar: 3-52.
 17. Moreno J.; Jennings, H. (2005). "Statistics of social configurations". Stoichiometry, Journal of Asia and African studies, vol. 1. No. 52: 74-342.
 18. Mbaku, J. M. (2008). "Corruption clean ups in Africa: Lessons from public choice". Journal of Asia and African studies, vol.43. No. 24: 427-456.
 19. Robinson, M. (2004). Corruption and Development: London and portland, oregon: Frank cass.
 20. Sandholtz, Wayne; Taagepera, Rein (2005). "Corruption, Culture, and Communism". International Review of Sociology, Vol. 15. No.1: 109-131.
 21. Shabbir, G.; Anwar, M. (2008). "Determinants of corruption in developing countries". [on-Line] Available: http://www.pubchoicesoc.org/papers_2008/shabbir_anwar.pdf. [2014/08/15].
 22. Taylor, S. E.; Peplau, L. A.; Sears, D. O. (2003). Social Psychology. New Jersey: Pearson Education, Upper Saddle River.

23. Treisman, Daniel (2000). "The Causes of Corruption: A Cross-National Study". *Journal of Public Economics*, Vol. 4. No. 76: 399-457.
24. World Bank (2004). "Helping countries combat corruption: The role of the world bank. poverty reduction and economic management". [on-Line] Available: [www.Worldbank.org/publicsector/ anticorruption/ corruption/ coridx. htm](http://www.Worldbank.org/publicsector/anticorruption/corruption/coridx.htm). [2014/08/15].
25. Yadav, G. J. (2005). "Corruption in developing countries: Causes and solutions". *Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public Policy*, Vol. 18. No. 31: 75-92.

